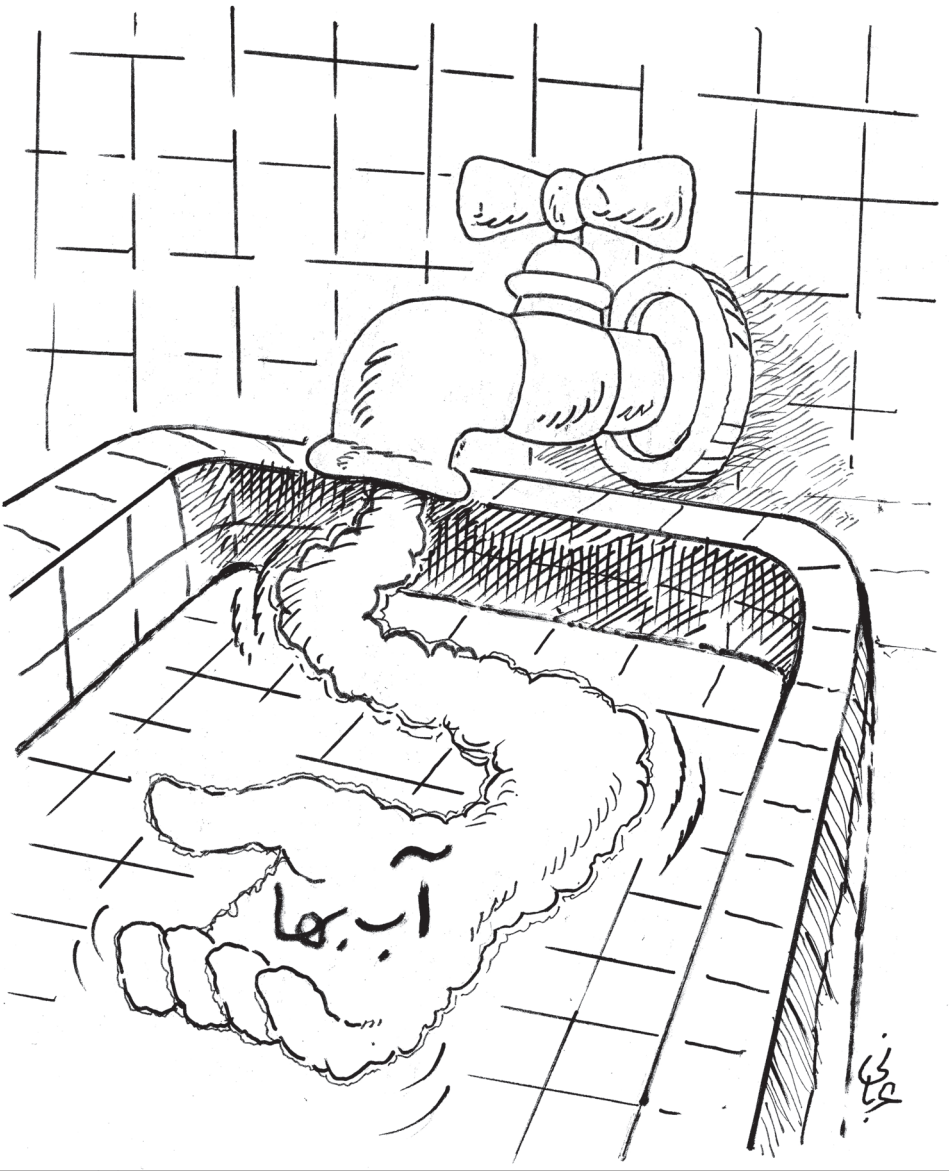




علیرغم قطعی آب، آب‌بها هم چنان برقرار است!



نشریه هیل:

ایرانیان در برابر دخالت خارجی متحد می شوند

گروه خبر: نشریه آمریکایی نزدیک به کنگره، در مقاله‌ای به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده هشدار داد که در قبال ایران، همان اشتباهه صدام در سال ۱۳۵۹ را تکرار نکند. به گزارش ایرنا، نشریه هیل نوشت در گزارشی با عنوان «ترامپ نباید اشتباه صدام را تکرار کند؛ از حمله به ایران پرهیز کنید» نوشت: «در تاریخ ۲۶ آوریل، انفجاری ویرانگر شهر بندری پر جنب‌وجوش بندرعباس در ایران را لرزاند و جان ۵۷ نفر را گرفت و بیش از ۱۲۰۰ نفر را زخمی کرد. این انفجار در بندر شهید رجایی، بزرگ‌ترین مرکز کانتینری ایران، رخ داد و امواج شوک‌آوری را به شهر فرستاد که شیشه‌های پنجره‌ها را شکست و زیرساخت‌ها را تا شعاع چند مایلی تخریب کرد. مقامات هنوز در حال بررسی علت این حادثه هستند و گزارش‌های اولیه به احتمال سهل‌انگاری در مدیریت مواد شیمیایی اشاره دارند؛ هر چند گمانه‌زنی‌هایی درباره خرابکاری نیز وجود دارد. در میان این فاجعه، واکنش مردم ایران درس مهمی برای سیاست‌گذاران آمریکایی به همراه داشته است. نباید ظرفیت ایران برای اتحاد در برابر بحران‌ها را دست‌کم گرفت، همان‌گونه که چند دهه پیش صدام حسین این اشتباه را مرتکب شد.»

در این گزارش آمده است: «با وجود مشکلات اقتصادی و نارضایتی‌های سیاسی، ایرانیان پس از انفجار بندرعباس متحد شدند، در سراسر کشور،

دبلمات پیشین ایران در نیویورک، درباره ابعاد دیگر این پیشنهادات گفت: «یک ابتکار یا ایده می‌تواند این باشد که دو طرف به صورت قدم به قدم پیش بروند. یعنی ایران غنی‌سازی ۶۰ درصد را متوقف کند و یک امتیاز طرف مقابل بدهد، در قدم بعدی غنی‌سازی ۲۰ درصد مورد بحث قرار بگیرد و همین مسیر ادامه پیدا کند. این قدم‌ها اگر موفقیت‌آمیز بود و جو مساعدی ایجاد کرد، در نهایت دو طرف بروند سر موضوع غنی‌سازی که سخت‌ترین موضوع و مسئله اصلی است. تصور من این است که امکان دارد ابتکارات عمانی‌ها حول این محورها باشد.»

▼ امکان مانور روی سطح و حجم غنی‌سازی



نصرت‌الله تاجیک، سفیر پیشین و تحلیلگر ارشد سیاست خارجی نیز در تحلیل شرایط مذاکرات ایران و آمریکا به هم‌میهن گفت: «با توجه به آتشی که اسرائیلی‌ها از یکی دو روز قبل از مذاکرات ریختند و شرایطی که دور چهارم گفت‌وگوها برگزار شد، به نظرم دور پنجم نسبتاً خوب تمام شد. احتمال می‌دهم که عمانی‌ها یک یا چند فرمول برای حل مسائل ارائه کردند که در حال حاضر در پایتخت‌ها مشغول بررسی آن هستند. در این شرایط به نظرم دو طرف تا حدی وارد جزئیات نشدند. در دور بعدی مذاکرات نظرات دو طرف مطرح می‌شود تا ببینیم خروجی آن به چه صورت خواهد شد.»

او ادامه داد: «ایران در حال حاضر دو مهره در دست دارد؛ سطح و حجم غنی‌سازی. در حال حاضر ایران دانش بومی هسته‌ای را دارد و می‌تواند روی سطح و حجم از خود انعطاف نشان دهد. البته با توجه به اینکه موضوع هسته‌ای برای جمهوری اسلامی ایران به دلایلی مانند سرمایه‌گذاری و تلاش‌ها برای بومی‌سازی دانش تا اقدامات و مخالفت‌های اسرائیل و ترور دانشمندان

هسته‌ای به یک مقوله هویتی تبدیل شده است؛ با توجه به این مسئله، ایران تمایل دارد قدرت مانور خود را روی حجم غنی‌سازی به کار بگیرد. البته به عقیده من خیلی مشکلی نیست که ایران بخواهد سطح غنی‌سازی خود را برای مدتی کاهش دهد. چون با حجم ذخایری که در حال حاضر وجود دارد، می‌توان برخی نیازهای غیرنظامی مانند سوخت هسته‌ای، پزشکی و کشاورزی را بر طرف کرد. بنابراین کاهش سطح غنی‌سازی را می‌توان به عددی مورد توافق دو طرف محدود کرد. اما به همان دلیل هویتی که گفتم، ایران نمی‌تواند غنی‌سازی خود را صفر کند. روش‌هایی مثل مهروموم ذخایر از سوی اژانس نیز وجود دارد و دستورالعمل‌های آن موجود است. بنابراین ایران که دانش را به دست آورده، می‌تواند مدتی سطح غنی‌سازی را کاهش دهد تا مراحل بعدی برسد.»

تاجیک ادامه داد: «به هر فرمولی که برسیم، باز در مذاکرات باید به صورت ریز مورد بررسی دو طرف قرار بگیرد. ایران در مقابل اقدامات خود، طلب رفع تحریم‌ها را دارد. کدام تحریم‌ها باید رفع شود؟ اولویت‌ها با کدام است؟ تمام این‌ها در رفت‌وآمدها میان دو طرف به دست می‌آید. وقتی ایران امتیاز بزرگ می‌دهد، امتیاز بزرگ هم می‌خواهد. پس دو طرف به چانه‌زنی می‌پردازند تا به یک تعادلی برسیم. آمریکایی‌ها حرف متناقض زیاد می‌زنند و برخلاف ایران شفاف نیستند. به همین دلیل مسیر پریچ‌وخم است. در مجموع بدبین نیستم اما ترامپ در حال حاضر سیاست فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا را در پیش گرفته است. از یک سو سعی می‌کند با افکار عمومی ایرانیان بازی کند و امیدواری بدهد، از سوی دیگر NPT، بر جام و قطعه‌نامه ۲۲۳۱ که ادامه برنامه هسته‌ای ایران را تضمین می‌کند، نادیده می‌گیرد. انتظارات و صحبت‌هایی را مطرح می‌کند که عملی نیستند. اما در نهایت، کار دیپلمات‌ها این است که روی گسل‌ها و اختلافات میان دو طرف پل بزنند.»



تعارض است. برای دستیابی به تعادل و پایداری در نهاد خانواده، ضروری است که حقوق و تکالیف زوجین به‌گونه‌ای متوازن و هماهنگ مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد تا زن بتواند با اطمینان خاطر، نقش خود را در خانواده ایفا کند و از حمایت مؤثر در برابر آسیب‌ها و نابرابری‌ها برخوردار شود.»

معاونت ریاست‌جمهوری در امور زنان و خانواده با بیان اینکه «بسیاری از مهریه‌های بالا ریشه در عوامل فرهنگی و اجتماعی دارند»، افزود: «کاهش عددی سقف اجرائی بدون پرداختن به این ریشه‌ها و ارائه آموزش‌های مناسب، نمی‌تواند راه‌حل مؤثری برای مشکلات مرتبط با مهریه باشد. تمرکز صرف بر جنبه مالی مهریه و افزایش غیرمتعارف آن در برخی موارد، موجب بروز کارکردهای معکوس‌شده و نگرانی‌هایی را در خصوص تبدیل این نهاد حقوقی به ابزاری برای فشار یا تهدید در قرآبندهای خانوادگی و قضایی پدید آورده است و وجود پرونده‌های مرتبط با مطالبه مهریه، به‌ویژه در شرایط اقتصادی دشوار و نوسانات شدید بازار، بر نظام قضایی و خانواده‌ها فشار مضاعفی وارد کرده و به یکی از دغدغه‌های جدی در سیاست‌گذاری حوزه خانواده تبدیل شده است.»

بهروز آذر با اشاره به اینکه تحلیل و اصلاح سازوکارهای مرتبط با مهریه نیازمند رویکردی جامع، تدریجی و توازن‌ی است، گفت: «این رویکرد از یک‌سویه حفظ فلسفه فقهی و کارکرد حمایتی مهریه در تأمین امنیت حقوقی و اقتصادی زنان توجه دارد، و از سوی دیگر، با بهره‌گیری از ابزارهای حقوقی، فرهنگی و آموزشی، امکان پیشگیری از سوءاستفاده، کژکارکردها و پیامدهای منفی آن را فراهم می‌سازد. چنین نگاهی، می‌تواند در خدمت تعالی نهاد خانواده، تقویت مسئولیت‌پذیری زوجین در بستر شریعت و قانون قرار گیرد.»

به گفته معاونت ریاست‌جمهوری در امور زنان و خانواده: «رویکرد مطلوب آن است که به جای اعمال محدودیت‌های عددی و عمومی، به اصلاح تدریجی ساختار نظام حقوق و تکالیف در خانواده به‌عنوان واحد بنیادی جامعه، تقویت نهاد‌های حمایتی، ارتقای آگاهی زوجین و فراهم‌سازی بسترهای توافقی شفاف در قالب شروط ضمن عقد، جایگاه مهریه در چارچوب اهداف متعالی خانواده اسلامی بازتعریف شود؛ به گونه‌ای که مهریه، نه ابزار فشار و اجبار بلکه ضامن عدالت، کرامت زنان و پایداری در خانواده‌ها باشد. معاونت امور زنان و خانواده در واکنش به طرح پیشنهادی کاهش سقف مهریه، پیشنهاد داده است به جای کاهش عددی سقف مهریه، تبصره‌هایی به ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده افزوده شود که هم امکان توافق آزادانه زوجین درباره میزان و نحوه اجرای مهریه را فراهم کند و هم اقدامات فرهنگی و آموزشی برای افزایش آگاهی زوجین نسبت به آثار حقوقی مهریه تقویت شود.»

راوی کابوس‌های زندگی

درباره زندگی و مرگ سباستیائو سالگادو

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار



زمین بی‌نمک شد. بهتر است بگویم «سباستیائو سالگادو» عکاس برزیلی در ۸۱ سالگی چشم از جهان فروبست. چشمی که عالم شانس بیاورد اگر روزی دوباره مانندش ببیند. چشمانی که از درون خاک، از عمق فقر، از جنگ، مهاجرت و چه و چه سوژه پیدا می‌کرد و با شکوهی بی‌صدا به عالم نشان می‌داد. او تنها یک عکاس نبود. راوی کابوس‌های زندگی ما بود. کسی بود که می‌توانست نکبت را با شکوه نشان‌مان دهد. نه اینکه بخواهد بزکش کند. بلد بود چطور روایت کند. سالگادو به شکل اعجاب‌انگیزی بلد بود با مرگ، خون‌ریزی، سیه‌روزی، بدبختی، محنت و رنج... محترم روبه‌رو شود. مثل کسی بود که انگار یک بار تا آخر خط رفته و ته ماجرا را دیده است. خودش می‌گفت: «همه چیز را دیده بودم. مرگ در چهره کودکان. انسان‌هایی که نفس می‌کشیدند اما دیگر زنده نبودند. من به جایی رسیدم که فکر می‌کردم آیا واقعاً انسان ارزش نجات دادن دارد؟»

او راهبی بود که به جای عبادت در معبد، میان مردم بی‌صدا قدم می‌زند و با هر فریم، حقیقتی ثبت می‌کند که دیگران از آن روی برمی‌گردانند. او برای آنکه به صورت مخاطبش سیلی بزند عکس نمی‌گرفت او ثبت می‌کرد برای آنکه بفهماند انسان بودن یعنی چه. سباستیائو برای اینکه بفهمد انسان چیست در چشم‌های گرسنه کودک سودانی خیره می‌شد. برای آنکه بفهمد و بفهماند رنج چیست به دست‌های یک معدنچی در برزیل نگاه می‌کرد و شاتر می‌زد. برای آنکه بداند زمین چیست به دست ایگوانا خیره می‌شد. او برای آنکه بداند امید چیست بیش از بیست سال روی زمینی خشک و نابودشده کار کرد و جنگلی ساخت که حالا سه میلیون درخت دارد. اصلاً انگار او به این عالم آمده بود که بفهماند هیچ وقت دیر نیست و تا همیشه می‌شود بخشید. می‌شود ساخت. می‌شود شفا داد. او درست مثل عکس‌هایش زندگی کرد. نشان داد که زندگی، در دل مرگ، در حال تپیدن است.

Adeus, senhor Salgado

